

تاریخ دریافت: ۹۱/۳/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۱/۵/۲۵

## آیین‌های مشترک سمک عیار با فتوت‌نامه سلطانی

علی زرینی<sup>۱</sup>

رقیه کاردل ایلواری<sup>۲</sup>

### چکیده:

ذخیره‌ها و میراث فرهنگی جوامع متمدن، قوای دفاعی معنوی در مقابل هجوم بیماری‌های فرهنگی و معنوی است. اعتقادات و آیین‌های هر ملتی در صورت بروز بحران، می‌توانند جامعه را از آسیب‌ها و بیماری‌های اجتماعی و فرهنگی مصون بدارند. بویژه در شرایطی که مجموع نظام ارزشی کهن در حال بی‌اعتبار شدن و نظام ارزشی جدید بیگانه در حال استقرار و جایگزینی می‌باشد. این ذخائر فرهنگی و اخلاقی که به صورت رسوم عرفی و آداب قدیمی در بطن جامعه و لایه‌های درونی آن وجود دارد با تجلی خود و به‌وسیله افزایش قدرت اعتقادی و باورهای معنوی و اخلاقی افراد جامعه می‌تواند ضایعات اخلاقی و اجتماعی را کاهش دهد.

از جمله آثاری که در رابطه با آیین فتوت و جوانمردی نوشته شده، دو اثر (سمک عیار و فتوت‌نامه سلطانی) سراسر سرشار از اندیشه‌ی فتوت و آیین جوانمردی است. در این پژوهش سعی شد تا به پنجاه و یک آیین مشترک بین دو اثر پرداخته شود و مورد بررسی و تحلیل قرار گیرند.

### کلید واژه‌ها:

آیین فتوت، سمک عیار، فتوت‌نامه سلطانی، جوانمردی، تصوف.

---

۱- کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران. [Alizarini\\_53@yahoo.com](mailto:Alizarini_53@yahoo.com)

۲- کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.

## پیشگفتار

فتوت، عنوان یک خصلت ارزشمند و آیینی کهن با آداب و اصول اخلاقی خاص خود، یکی از جنبه‌های شایان توجه تاریخ اجتماعی ایران است که ظاهراً سرچشمه‌های آن را در مشرق زمین و بخصوص در ادیان و آیین‌های ایران باستان باید جست. عملی ارزشمند و خیرخواهانه‌ی بشری است که همواره مورد تأیید انبیاء و صالحان و کتب آسمانی بوده و یک فرهنگ شناخته شده و آشنا برای مردان کشوری چون ایران است.

پیروان این آیین در ادوار گوناگون، با نام‌ها و عنوان‌های متفاوت همواره در تحولات اجتماعی و تاریخ سیاسی ایران تأثیر و اهمیت قابل توجهی داشته‌اند، که در این میان از عیاران به عنوان کهن‌ترین گروه جوانمردان یاد شده‌است. در تمدن و فرهنگ ما ایرانیان، پدیده‌ای گمنام و بی‌اهمیت نیست و در ادبیات ملی و دینی ما شهرت و جایگاه ویژه‌ای دارد. در عرصه شعر و نثر فارسی نیز، با فتوت و جوانمردی و مروت به عنوان صفت اخلاقی برجسته و پسندیده مواجه هستیم، که علاوه بر آثار منظومی مانند شاهنامه، که در آن داستان‌های پهلوانی کهن و شرح احوال و زندگانی پهلوانان و جوانمردان را می‌بینیم، داستان‌های عامیانه و سنتی فارسی بیش از سایر آثار و نوشته‌ها، در عرصه تاخت و تاز عیاران و جوانمردان بوده‌است و از این حیث قابل توجه هستند.

پیشوایان و پیروان فتوت انسان‌های بودند که در ادوار پرآشوب و هنگام فترت‌ها، انتقال قدرت‌ها، انحطاط و تغییر حکومت‌ها، مردم بی پناه سرزمین خود را از انواع تجاوزات محفوظ داشته‌اند و با تعمیم اصول و مبانی جوانمردی به همه جنبه‌های زندگی و به روابط انسانی حال و هوایی از محبت و دوستی بخشیده‌اند و سرمایه گران‌بهایی از عشق و محبت و خویشنداری و مدارا و گذشت برای اجتماع خود به جا گذاشته‌اند.

جوانمردی، آیینی ایرانی است که سرچشمه‌های آن را در برخی از کیش‌های ایرانی باستان

نظیر مهر یا میترائیسم می‌توان جست. از همان قرن‌های آغازین اسلامی در سرزمین‌های عرب نشین مجاور ایران نیز آیینی پرتطرفدار بوده‌است. تداوم آن، نشان دهنده ریشه‌های مستحکم این آیین در اعتقادات و فرهنگ مردم ایران است.

یکی از این داستان‌ها که ریشه‌ای تاریخی و یا حماسی دارد، داستان سمک عیار است، که البته به مرور زمان جنبه تاریخی آن کمرنگ شده‌است. از سوی دیگر در میان تمام متن‌های قدیم و جدیدی که در دو زبان فارسی و عربی درباره آیین فتوت و روش جوانمردان نوشته شده، نامی از فتوت نامه سلطانی برده شده‌است. در متن این کتاب به شرح جزئیات آیین فتیان و تشریفات و ترتیبات کمر بسته شدن و ورود در حزب جوانمردان پرداخته شده و دارای نکته‌های فراوان است.

از آنجا که اصل داستان سمک عیار مربوط به قبل از اسلام و فتوت نامه سلطانی اثری است که رنگ و لعاب اسلامی دارد، این دو اثر می‌توانند دارای آیین‌های مشترک و متفاوتی باشند. بررسی و استخراج مشترکات آیین فتوت در این دو اثر از اهمیت خاصی برخوردار است و در این پژوهش قابل بررسی است.

### معنی و مفهوم واژه فتوت و مشتقات آن

فتوت در لغت عرب صفتی است که از کلمه «فتی» مشتق شده است که معنی جوان و گاهی خدمتکار یا همراه می‌دهد. در فرهنگ‌ها «جوانمردی و مردمی» (متهی الأرب)؛ جوانی، سخا، کرم، بخشندگی، جوانمردی، مردانگی و ایثار معنی کرده‌اند. فتی: (فَ تا) نیز در لغت به معنی جوان، جوان نو رسیده، (متهی الأرب) تازه جوان و کسی را گویند که پای در دوران جوانی نهاده و روزگار خوش شباب را آغاز کرده است. (دهخدا، ۱۳۵۵)

فتاء: بر وزن سماء، جوانی و جوان شدن و جوانمردی نمودن است. (دهخدا، ۱۳۵۵) در عصر جاهلی فتوت و فتی را مجازاً به معنی شجاعت، شجاع و سخاوت می‌گرفتند و عرب این دو صفت را از تمام صفات پسندیده تر و ستوده تر می‌دانستند. (محبوب، ۱۳۵۰: ۸) در زبان فارسی معادل «فتی» و «فتوت» به ترتیب «جوانمرد» و «جوانمردی» است. جوانمرد را در فرهنگ لغات به معنی کریم، سخی، بخشنده (برهان قاطع) جواد (مهذب الأسماء) با مروت، صاحب فتوت، فتی، راد، حلیم، (آندراج) و دست و دل باز معنی کرده‌اند.

بنابراین در سراسر قرآن کریم، جز در دو سه مورد، یادی از جوانمرد و جوانمردی در تفسیر لفظ فتی نشده است و آنها نیز یکی در مورد حضرت ابراهیم (ع) و دیگری در حق حضرت یوسف صدیق و سومی درباره اصحاب کهف است. (محبوب، ۱۳۵۰: ۹)

### فتوت در متون نظم و نثر

فتوت همچون تصوف نیز مورد توجه شاعران و نویسندگان قرار گرفته است، به علت طولانی شدن مبحث تنها به برخی از متون نظم و نثر که به فتوت و مفاهیم آن پرداخته اند، اشاره می کنیم:

(۱) فتوت نامه منظوم از عمادالدین نسیمی. (۲) فتوت نامه منظوم از عطار نیشابوری. (۳) کتاب الفتوة، ابو عبدالرحمن سلمی نیشابوری، (۴) رساله فی الفتوة، تألیف علی بن عبدالرسولی، (تألیف در نیمه دوم قرن پنجم هجری). (۵) تحفة الاخوان، تألیف خواجه عبدالله انصاری هروی، (۶) کتاب الفتوة، تألیف شهاب الدین سهروردی، (۷) کتاب الفتوة، تألیف محمد بن المعمار حنبلی، (۸) تحفة الاخوان فی خصائل الفتیان (عربی) و ترجمه فارسی آن به نام قواعد الفتوة هر دو تألیف از کمال الدین عبدالرزاق کاشانی، (۹) تحفة الوصایا تألیف احمد بن الیاس نقاش خرتبرتی (به توسط ابوالحسن علی فرزند الناصرالدین الله عباسی، مطالبی از این کتاب در مقدمه «کتاب الفتوة» ابن المعمار (ص ۵۴-۵۵) نقل شده است). (۱۰) عمدة الوسيلة، همچنین تألیف او. (۱۱) مرآة المرواة، تألیف علی ابن حسن بن جعدویه. (۱۲) کتاب الفتوة، تألیف ابوحامد احمد بن محمد عبدالملک اشعری. (۱۳) فتوت نامه، تألیف نجم الدین زرکوب تبریزی. (۱۴) رساله فتوتیه، تألیف امیر سید علی همدانی (۱۵) رساله فی الفتوة، تألیف شیخ علاء الدوله بیابانکی السمنانی. (۱۶) فتوت نامه منظوم از ناصری سیواسی. (۱۷) فتوت نامه سلطانی، تألیف ملاحسین واعظ کاشفی هروی. (۱۸) فتوت نامه کبیر یا مفتاح الدقایق تألیف سید محمود بن سید علاء الدین که فتوت را بر اساس مذهب تشیع تفسیر کرده است. (۱۹) نساب الانساب و ادب الاکتساب، تألیف ابراهیم منیری بن اسکندر بلغرادی که فتوت را بر اساس مذهب تسنن تفسیر کرده است. (۲۰) ارباب الطریق، تألیف حاجی ابراهیم زنده در قرن دهم هجری که موضوع آن خرقة پوشی و عیاری و جوانمردی و قلندری است. (۲۱) رساله الفتوة، شیخ مقداد بن عبدالله السیوری. (۲۲) رساله الفتوة در اسرار التنزیل تألیف امام فخرالدین رازی. (۲۳) فتوت نامه قصاب (فارسی) مؤلف نامعلوم، (۲۴) رساله هفده سلسله یا عیاری نامه (از کتب عهد صفوی و مؤلف نامعلوم).

۲۵) ذیل علی فصل «الاحیة الفتیان التزکیة فی کتاب الرحلة لابن بطوطة» تألیف م - جودت چاپ استانبول. ۲۶) الفتوة عند العرب و الاحادیث الفروسیة و المثل العلیا از عمر الدسوقی. ۲۷) قابوسنامه عنصر المعالی قابوس وشمگیر. ۲۸) هفت اورنگ جامی. ۲۹) جام جم اوحدی مراغه ای ۳۰) کتاب الفتوة، تألیف اخي احمد المحب بن شیخ محمد بن میکائیلی الاردبیلی و...

### موضوع فتوت

موضوع فتوت انسان است و شرف و هر علمی به شرف موضوع آن وابسته است «چه اینکه اهل فتوت به حقیقت متصف به صفات حمیده و تخلق به اخلاق پسندیده است.» ( صراف، ۱۳۷۰: ۶۶) یک عمل ارزشمند و خیرخواهانه بشری، مورد تأیید انبیاء و صلحا و کتب آسمانی و یک فرهنگ شناخته شده و آشنا برای ملل و ممالک کهن مثل ایران بوده است. اهل تصوف و فتوت رفیق و حامی ایام سختی‌ها و ناداری‌ها و ناتوانی‌ها است؛ حتی برخی از نویسندگان و بزرگان، فتوت را نیاز جامعه بشری دانسته و می‌نویسند: «همه به خصال فتوت احتیاج دارند.» ( صراف، ۱۳۷۰: ۶۷).

در تاریخ به افرادی چون عبدالله بن سعد معروف به حاتم طائی به عنوان یکی از جوانمردان تاریخ پرداخته شده است و در ایران از ابتدا میان طرفداران خیر و شر با اهورامزدا و دیو مبارزه بوده است که از کهن‌ترین اندیشه‌های ایرانی است و می‌توان گفت فلسفه ایران باستان، فلسفه مبارزان است و عیاران ایرانی از شهرت زیادی برخوردار بوده‌اند «شاهنامه فردوسی تاریخ پهلوانی و جوانمردپیشگی ایران است» پس از اسلام اولین گروه جوانمردان برای بهبود و رفاه حال عامه مردم و کمک به مظلومان و بینوایان در مقابل ستمکاران و زورگویان و زیاده خواهان در زمان حجاج بن یوسف در کوفه به وجود آمد. گروهی که با اندیشه اسلامی ایران (فتوت - عیاری) متشکل از جوانان کاری و هوشیار و جنگجو و شجاع و چابک و خیرخواه در نقاطی چون خراسان و سیستان اعلام موجودیت کردند و امثال ابومسلم خراسانی و یعقوب لیث صفاری از رهبران مبارز و نام‌دار جوانمردان مسلمان ایرانی است که توانستند در مقابل فعالیت و شهرت ستمگران و زورگویان بنی‌امیه و بنی‌عباس قیام کرده و موجب تغییر و تحول شوند. اوج فعالیت و شهرت آیین جوانمردی در جهان اسلام قرن ۳-۶-۷-۸ به دلیل نیاز شدید به فرهنگ ایثار و جوانمردی بوده است. علت آن هم اوضاع آشفته و نابسامان روزگار بر اثر اختلافات، نزاع‌های داخلی و جنگ‌های صلیبی‌ها و تهاجم مغولان و ظلم و تبعیض حاکمان

بوده‌است، در قرن هفتم ابوالعباس ناصرالدین (۵۷۵-۶۳۲ ق) و صلاح‌الدین ایوبی و ملک ظاهر بیبرس (۶۷۶ ق) از فرهنگ فتوت برای پیروزی خود با انتساب به آن استفاده کردند. ( فصلنامه تخصصی عرفان، ۸۷: ۱۴۴)

ابن بطوطه گزارش‌گر و سیاح قرن هشتم از جهان اسلام از «رونق و رواج اهل تصوف و فتوت در جهان اسلام بخصوص در قاهره و بغداد آناتولی و خراسان و ماوراءالنهر خبر می‌دهد و سربداران خراسان را انسان‌های پاک و اهل فتوت می‌شمارد». (ابن بطوطه، ج ۱: ۴۶۴-۴۶۵)

### تأثیر فتوت و تصوف بر یکدیگر

فتوت، نامی است که بر مجموعه‌ای از فضایل چون سخاوت، کرم و شجاعت اطلاق می‌شود در ظاهر امر فتوت و تصوف دو چیز متفاوت می‌باشند، اما آن دو آنقدر به هم نزدیکند که یک چیز و لازم و ملزوم یکدیگر به شمار می‌روند. به طوری که گفته می‌شود آیین جوانمردی و تصوف همزادند. یعنی آن دو با هم به وجود آمده‌اند و با هم رشد کرده‌اند به ویژه در کشورهای کهن صاحب تمدن و تدین، چون ایران، زودتر از هر جای دیگر فتوت رنگ تصوف گرفت. به عبارت دیگر، فتوت و عیاری جذب تصوف گردید، چون در استقلال‌خواهی، خداگرایی، خدمتگزاری و فداکاری مشترک و یکی بوده‌اند و این ارتباط تا حدی است که آثار و نشانه‌های افکار صوفیه در رفتار و تعالیم جوانمردان در همه دوره‌های اسلامی ملموس و محسوس بوده و عکس آن هم صادق است، یعنی آثار اهل فتوت را در محیط‌ها و رفتار صوفیان می‌توان دید، به طوری که اکثر مردان بزرگ تصوف ایران به خصوص خراسان قبل از آنکه صوفی باشند به جوانمرد و جوانمردی شهره بوده‌اند. (فصلنامه تخصصی عرفان، ۸۷: ۱۴۵) این آیین، به صورت یک اصطلاح دینی و صوفیانه و اجتماعی، عنوان مسلکی خاص است که پس از تصوف بیش از هر طریقه‌ای در کشورهای اسلامی رواج داشته است. (نفیسی، ۱۳۷۵: ۱۳۴).

این مسلک جنبه اخلاقی دین مبین اسلام را نمایان تر کرد و تصوف اسلامی را فعال‌تر و غنی تر ساخت و از جنبه اجتماعی نیز وسیله‌ای برای کمک به درماندگان و موجب استیصال جابران و ستمگران گشت.

آیین جوانمردی قرن‌ها در ایران دوشادوش تصوف رواج کامل داشته و در میان عوام

مؤثرترین وسیله بقای روح ملی ایران و قیام و ایستادگی در برابر بیگانگان و ستمگران بوده- است و مهم‌ترین جنبه آیین جوانمردی ایران پناه دادن و حمایت از بی‌پناهان و مظلومان بوده- است و مهم‌ترین خصال آنها سخاوت و ایثار و بی‌اعتنایی به مال و مقام و خونسردی در برابر حوادث و پیش‌آمدها بوده‌است، دهخدا دو عنصر فتوت و تصوف را در فتوت اجتماعی ایران خیلی تأثیرگذار می‌داند «دو عنصر که در فتوت خاصه فتوت اجتماعی تأثیر خاص و به سزایی داشته، تصوف و عیاری است (به عبارت دیگر) پس از آمیختن فتوت با تصوف و عیاری فتوت اجتماعی به وجود آمده است.» (دهخدا، ج ۳۷، ص ۵۹).

چون اهل تصوف و عیاری در رعایت اخلاق انسانی و دفاع داوطلبانه از بینوایان و مظلومان و خدمت به مردم و جلوگیری از تهاجم دشمن شهره بودند و حق آنست که گفته شود، عیاری و تصوف دو عامل مهم تغییر فتوت لغوی استعاری به فتوت اصطلاحی شده‌است.

### فتوت از دیدگاه تصوف

در قرون اولیه اسلامی فتوت به تصوف خیلی شبیه و نزدیک بود و به جز تفاوت در پاره‌ای از آداب و رسوم مخصوص، فرق ظاهری زیادی در میان آن‌ها نبود و به همین علت خواهیم دید که هم بسیاری از صوفیه و عرفاء به این مسلک گراییده‌اند و هم مردمان انسان‌دوست و خدمتگزار اجتماع. متصوفین مفهوم فتوت را باز تکمیل کرده و این بار بدان معنی «ایثار» دادند، و ایثار آن حال وضع اخلاقی است که انسان همیشه دیگران را بر خود ترجیح بدهد، بخصوص اگر پای ضعف در میان باشد. در چنین صورتی دیگران حق تقدم دارند. ولی خود شخص در این مورد کوچک‌ترین حقی دارا نیست. در اینجاست که انسان باید همواره ببخشد و هیچ‌وقت نستاند و شخص خود را در برابر هم‌نوعان و حتی دشمنان در درجه دوم اهمیت قرار دهد.

### رابطه فتوت، تصوف و ملامتیه

رابطه فتوت و تصوف به اندازه‌ای محکم بوده که بزرگان متصوفه ایران همواره تصوف را برای خواص و جوانمردی را برای عوام می‌دانسته‌اند و هر دو را با هم ترویج می‌کرده‌اند. (نفیسی، ۱۳۷۵: ۱۱۲-۱۱۴)

البته، شایان ذکر است که صوفیه و ملامتی‌های بزرگ وقتی که از جوانمردان یاد می‌کنند، مراد ایشان ملامتی‌های جوانمرد می‌باشد. یعنی ملامتی‌هایی که جوانمرد هستند یا جوانمردان

ملامتی به طور صفت و موصوف، نه صرفاً جوانمرد، این مطلب از آثار ملامتی‌ها پیدا است. بنابراین ذکر فتوت و جوانمردی که در احوال و آثار ملامتی‌ها آمده است، صرفاً مربوط به مسلک و تشکیلات جوانمردی نیست. با این همه، ملامت و فتوت و تصوف ارتباطی بسیار قوی داشتند. فتوت اسلامی در آغاز کار به اسلام و تصوف خیلی نزدیک بوده و اصول و عقاید مشترکی این سه را به یکدیگر پیوند می‌داده و بعدها به مرور ایام شاخ و برگ پیدا کرده و در میدان‌های سیاست و اجتماع وارد شده و به صورت‌های گوناگون درآمده است. (محمد ریاض، ۱۳۸۲: ۵۰)

امام جعفر صادق (ع) (۱۴۸هـ) برای جوانمرد دو شرط قرار داده و یکی از آن دو شرط را که ایمان باشد، برتر از تقوی قرار داده و فرموده است که خداوند اصحاب کهف را به سبب ایمان آنان، «فتیه» خوانده است: «الْفَتَى مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَاتَّقَى، إِنَّ اصْحَابَ الْكُهْفِ كَانُوا كَهُولًا فَسَمَّاهُمُ اللَّهُ فِتْيَةً بَايْمَانِهِمْ: جوانمرد کسی است که مؤمن به خدا و پرهیزگار باشد، اصحاب کهف میان سال بودند، به سبب ایمانی که داشتند خداوند آنان را جوانمرد خواند.» (گولپینارلی، ۱۳۶۹: ۱۳۱)

### سمک عیار

سمک عیار قدیمی‌ترین نمونه باقی مانده از داستان پردازی فارسی است. اولین داستان بلند و طولانی منثور که امروزه در دست است و یکی از زیباترین و دلکش‌ترین داستان‌ها در زبان و ادبیات فارسی است که با نثری ساده، روان و زیبای ادبی نوشته شده است. درباره سرگذشت خورشید شاه فرزند مرزبان‌شاه، سلطان شهر حلب است که دلباخته دختر فعفرور شاه، شاه چین بود..

در آغاز کتاب یک جا تاریخ سال پانصد و هشتاد و پنج وجود دارد؛ اما ورقی که این تاریخ در آن ذکر شده، الحاقی است و خط آن جدیدتر از اوراق دیگر است؛ مع هذا شیوه انشای کتاب و مختصات صرفی و نحوی و قرائن دیگر نشان می‌دهد که در هر حال زمان تألیف از اواخر قرن هشتم هجری جدیدتر نیست. (ناتل خانلری، ۱۳۶۴: ۱۰)

از شیوه انشای کتاب پیدا است که برای سخنوری پرداخته شده و شاید کاتب عین عبارت-های قصه‌گو را ثبت کرده است و افتادگی‌ها و نقص‌های بسیار که در جمله‌ها و عبارت‌ها هست ممکن است از همین جا ناشی شده باشد. ثبت بعضی از کلمات به صورت تلفظ عامیانه



که امروز هم میان عوام متداول است مانند نقم در همه موارد به جای نقب، و اراده معانی خاص اصطلاحی از بعضی کلمات و تعبیرات مانند برقوم بودن و قوام برگرفتن به معنی مترصد و مراقب بودن مؤید این حدس است.

در این داستان، قهرمان اصلی، سمک است که در آغاز کار یکی از جمله چاکران و شاگردان سرهنگ جوانمرد یعنی شغال پیل‌زور، بشمار می‌رود. در آغاز داستان می‌خوانیم که گروهی از جوانمردان و عیاران در اطراف رئیس و سرهنگ خویش جمع آمده‌اند و دروازه خانه خویش را بروی تمام مسافران و درماندگان و پناهندگان باز داشته‌اند و از هیچ‌گونه کمک و یاری به محتاجان و مصیبت رسیدگان دریغ نمی‌کنند و این یاری و مددکاری شان برای شاه و گدا یکسان است.

سمک فرد برجسته عیاران و باصطلاح نویسنده کتاب «سرهنگ» آن گروه است. یکی از مردم شهر در پاسخ دیگری که در موقع دستگیری سمک از او بدگویی می‌کند برمی‌آشوبد و می‌گوید: «ای ناکس، این چه سخن است که تو می‌گویی؟ امروز از شرق تا به غرب مرد چون وی به مردی و عیاری و رای و تدبیر و دانش و عقل و کفایت نیست. و دانم که نخواهد بود.» (سمک عیار، ج ۲، ص ۲۴)

### فتوت‌نامه سلطانی

فتوت‌نامه سلطانی تألیف مولانا حسین واعظ کاشفی سبزواری، دانشمند، نویسنده و واعظ چیره دست اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم هجری است. این کتاب با تصحیح دقیق استاد زنده یاد دکتر محمد جعفر محجوب، در سال ۱۳۵۰ توسط انتشارات بنیاد فرهنگ ایران منتشر شده است. شاید بتوان آن را در ردیف باارزش ترین آثار وی شمرد؛ چه علاوه بر سهولت و روایت انشاء که از مختصات شیوه حسین واعظ است (و هر سخن‌گویی به مناسبت تسلط یافتن در سخن گفتن طبعاً به چنین شیوه‌ای متمایل می‌شود) متن این کتاب به شرح جزئیات آیین فتیان و تشریفات و ترتیبات کمر بسته شدن و ورود در حزب جوانمردان پرداخته شده است.

این اثر یک مقدمه و هفت باب دارد که هر یک از آنها نیز مشتمل بر چند فصل است. باب‌های اول تا پنجم شرح کاملی است از تاریخچه آیین فتوت، آداب پیر و مرید، مناسبات نقیب و استاد، خرقه و لباس‌های اهل فتوت و سرانجام در آداب اهل طریق مانند آداب نشستن، سخن گفتن، طعام خوردن، جامه پوشیدن، سفر کردن، راه رفتن، خرید و فروش،

ضیافت و ...

هنوز هم بسیاری از مراسم و آداب فتوت با دقت تمام در میان ورزش‌کاران و سخنوران و بعضی صنف‌های دیگر مراعات و اجرا می‌شود. مثلاً تبرزین به دست گرفتن مداحان و اثبات آن در فتوت‌نامه سلطانی (ص ۳۲۵) آمده است. امروز نیز این رسم در مجالس سخنوری مراعات می‌شود. هرکس که مشغول خواندن سخن است، در موقع خواندن تبرزینی بر دوش دارد؛ و چون نوبت سخن را به دیگری واگذار می‌کند، تبرزین را نیز بدو می‌دهد. خواننده دوم هم نخست تبرزین را به دوش می‌گذارد، آن‌گاه خواندن را آغاز می‌کند.

هنوز ورزشکاران باستانی، در هنگام شمردن شنا با سنگ برای شمردن عدد هفده، عبارت «هفده کمر بسته مولا» را بکار می‌برند که اشاره به ۱۷ تنی است که بر طبق روایت‌های جوانمردان که ایشان به دست حضرت مولای متقیان (ع) بسته شد. البته این عدد هفده، از اعدادی است که در اسلام بسیار مورد توجه بوده است. نمازهای واجب هفده رکعت است. تعداد داوهای بازی نرد نیز ۱۷ است. سلسله‌های معروف تصوف ۱۷ سلسله است و ... (فتوت‌نامه سلطانی، ۱۳۵۰: مقدمه ۱۰۱-۱۰۴).

### مشترکات آیین‌های فتوت در سمک عیار با فتوت‌نامه سلطانی

#### ۱. نان و طعام دادن

##### الف) سمک عیار:

این عبارت که مجازاً به معنای غذا دادن است. در جایی از این کتاب یکه و تنها، با عنوان «سر همه جوانمردی‌ها» معرفی می‌گردد، در جایی دیگر دوشادوش رازپوشی معرف آیینی می‌شود که گزیده هفتاد و دو طرف جوانمردی است:

«(سمک) بر سر دره دید، خوان نهاده، از هر هرگونه طعام و چند کس بر آن طعام ایستاده، چون عالم افروز را بدیدند، پیش وی باز آمدند، خدمت کردند و او را پیش خوان بردند و بنشانند، عالم افروز با خود گفت: نشان جوانمردی این است که سر همه جوانمردی‌ها نان دادن است، از بهر آنکه هزار بدی با کسی بکنی و او را نان بدهی، آن بدی پوشیده دارد.» (ج ۵، ص ۴۳۳)

##### ب) فتوت‌نامه سلطانی:

و امام رضا علیه السلام فرموده است که: «فتوت ابراهیم آن بوده است که بتان را بشکست و هر که

بتان نفس و هوا را بشکند جوانمرد باشد؛ و گفته‌اند که جوانمردی ابراهیم آن بود که بی‌مهمان طعام نخوردی و به خود خدمت مهمان کردی و این علامت جوانمردان است». (ص ۲۱)

## ۲. پاکی چشم

### الف) سمک عیار:

طریق عیاری، بی‌عفتی را بر نمی‌تابد؛ به همین دلیل جوانمرد، به معنای تمام کلمه موصوف گشتن به این صفت ناستوده اخلاقی را موجب ننگ می‌داند.

«(سمک) گفت در وی (تاج دخت) نرسیدم که قومی زنان می‌آمدند، و در میان ایشان رفت؛ من در میان زنان نرفتم، که شرط نبودی؛ و در همه جهان نام من به جوانمردی رفته است که به چشم خطا در زن و دختر هیچ آفریده نگاه نکردم، و نکنم اگر یزدان خواهد». (ج ۵، ص ۲۹۹)

### ب) فتوت‌نامه سلطانی:

«... و امام حسین شهید علیه السلام فرموده است که: جوانمردی یوسف آن بود که خود را از حرام نگاه داشت و طریق عفت و پاک دامنی رعایت کرد و هرکه پاک دامن و پاکیزه روزگار گذراند و چشم و دست از حرام نگاه دارد جوانمرد بود...» (ص ۲۱)

## ۳. وفاداری و وفای به عهد

### الف) سمک عیار:

در لابه لای گفتگوی سرخ ورد عیار، همسر گمشده سمک با او، آن هنگام که با نام مستعار سمن رخ روزگار می‌گذراند، از وفاداری نیز به عنوان سر جوانمردی یاد می‌شود: سمن رخ می‌گوید: سر جوانمردی وفا نگاه داشتن است. (ج ۵، ص ۶۰۸)

«شیر چنگال چون بشنید سم اسب مرزبان‌شاه را بوسه داد و رکاب خورشیدشاه ببوسید. بی‌آنکه وی را گفتند سوگند خورد به یزدان دادار و به نور و نار و زند و پازند که عهد نشکند و غدر نکند و خیانت نیندیشد». (ج ۲، ص ۶۱۱)

### ب) فتوت‌نامه سلطانی:

«... و امیر المؤمنین حسین علیه السلام فرموده است که: فتوت به عهد ازل وفا کردن است و بر جاده دین قویم که صراط مستقیم عبارت از آن است ثابت قدم بودن. قال الله تعالی: یا ایها الذین امنوا اوفوا بالعقود به عهد روز میثاق و عقد زمان الست وفا کردن کار جوانمردان است و

نقض عهد و شکستن پیمان نشانه نقصان ایمان، بیت:

دست وفا در کمر عهد کن تا نشوی عهد شکن جهد کن» (ص ۱۱)  
«امام محمد تقی (ع) فرمود که: فتوت را سه مرتبه است: ... و مرتبه آخر وفاست که هم با خلق نگه دارد و هم با خدا...» (ص ۱۳)

#### ۴. راست‌گویی و راستی

##### الف) سمک عیار:

مسلك عیاری، راست‌گویی را جزء جدا ناشدنی وجود عیاران می‌داند؛ حتی در آن صورت که این راست‌گویی به زیان جوانمرد بی‌انجامد و او را در مهلکه قرار دهد. جوانمردان باید راست بگویند. «به هر جا که باشد؛ در پیش خاص و عام، عاقل و نادان؛ گرچه «سر ایشان در آن کار برود».

«جوانمردان دروغ نگویند، اگر سر ایشان در آن کار برود.» (ج ۱، ص ۷۹)

##### ب) فتوت‌نامه سلطانی:

«اگر پرسند که ارکان مرید چند است؟ بگوی شش: ..... دویم راست‌گویی ...» (ص ۷۸)

#### ۵. رازپوشیدن و رازداری

##### الف) سمک عیار:

جوانمرد باید رازدار باشد؛ اهمیت این مسأله تا جایی است که رازداری همراه با نان دادن دو صفت‌گزين از هفتاد و دو حد جوانمردی را به وجود می‌آورند: حد جوانمردی از حد فزون است؛ اما آنچه فزون‌تر است هفتاد و دو طرف دارد و از آن دو را اختیار کرده اند: یکی نان دادن و دوم رازپوشیدن. (ج ۱، ص ۴۴)

##### ب) فتوت‌نامه سلطانی:

«اگر پرسند که ارکان مرید چند است؟ بگوی شش: .... ششم رازداری.» (ص ۷۸)

#### ۶. امانتداری

##### الف) سمک عیار:

امانتداری نیز یکی از اصول پراهمیت جوانمردی است؛ به همین دلیل روح افزا هنگام برشمردن ویژگی‌هایش از این خصیصه پسندیده نیز سخن می‌گوید:

«از جوانمردی امانتداری بکمال دارم». (ج ۱، ص ۴۷-۴۸)

(ب) فتوت‌نامه سلطانی:

«اگر پرسند که شرایط فتوت چند است؟ بگوی هفتاد و یک: چهل و هشت وجودی، و بیست و سه عدمی. اما آنچه وجودی است: .... چهل و دویم امانت‌گزاری،...» (ص ۲۶)

## ۷. فداکاری

(الف) سمک عیار:

طریقت عیاری، به دنبال رهروانی است که آماده فداکاری و جان‌نثاری، در یاری کارافتادگان و پناه‌جویان باشند. عیار باید در راه خدمت به یاران تا حد فداکاری پیش برود. «شغال گفت ... اگرچه ما را عیار پیشه می‌خوانند و عیار پیشه الا جوانمرد نتوان بود، و جوانمردان ازین بسیار کارها کنند و رنجها کشند و جان فدای مردم دارند...» (ج ۱، ص ۶۴)

(ب) فتوت‌نامه سلطانی:

«... و اکابر در این باب اختلاف کرده‌اند که فتوت ابراهیم علیه السلام زیادت بود یا از آن اسمعیل (ع)؟ اکثر برآنند که فتوت اسمعیل زیادت بود برای آن که ابراهیم (ع) به قوت فتوت فرزند را قربان می‌کرد و اسمعیل علیه السلام به قوت فتوت جان فدا می‌فرمود؛ ابراهیم پسر درمی‌باخت و اسمعیل سر در می‌باخت. بیت: فرق است از آن که او پسر دربازد یا آن که به یاد دوست سر دربازد» (ص ۱۸)

## ۸. نگاهداشت زبان

(الف) سمک عیار:

عیار باید بداند چه موقع و چگونه زبان نگاه دارد. [عیار باید] ..... زبان نگاه دارد. (ج ۱، ص ۵۲۶)

(ب) فتوت‌نامه سلطانی:

اگر پرسند ارکان فتوت چند است؟ بگوی دوازده: شش رکن ظاهر و شش رکن باطن. اما ارکان ظاهر فتوت:

اول - بند زبان است از غیبت و بهتان و کذب و سخن بیهوده؛ و عهد فتوت از کسی درست است که از زبان او مردم به سلامت باشند. کما قال علیه السلام: «المسلم من سلم المسلمون من یده و لسانه».

اگر مردی زبان خود نگه دار      ز کذب و غیبت و بهتان و آزار (ص ۲۴)

### ۹. کم گویی

**الف) سمک عیّار:**

عیّار و جوانمرد بودن کم گویی و سخن بسیار نگفتن را می‌طلبد.

[عیّار باید] ..... زبان نگاه دارد و کم گوید. (ج ۱، ص ۵۲۶)

**ب) فتوّت‌نامه سلطانی:**

«اگر پرسند که زینت مریدی چیست؟ بگوی آن که به بیست صفت آراسته باشد.....»

چهاردهم خاموشی که اندک سخن بود و آنچه گوید عین صواب بود.....» (ص ۸۱)

### ۱۰. نرم‌گویی

**الف) سمک عیّار:**

از دیگر صفات جوانمرد این است که به نرمی و آرامی سخن گوید.

[عیّار باید] ..... سخن نرم گوید. (ج ۱، ص ۵۲۶)

**ب) فتوّت‌نامه سلطانی:**

«اگر پرسند که معرکه‌گیر را چند چیز باید در معرکه تا پسندیده خاطرها باشد؟ بگوی ده

چیز: .... پنجم اگر کسی ناجایگاه استاده باشد یا نشسته، با وی به لطف و نرمی سخن گوید.»

(ص ۲۷۷-۲۷۸)

### ۱۱. آشنایی با انواع تدابیر

**الف) سمک عیّار:**

از منظر عیّاران داستان سمک عیّار، جوانمرد باید کاردان و زیرک باشد تا بتواند در مقابل

هرکاری راه و چاره‌ای بیابد.

[عیّار باید] ..... در حیلت استاد بود و بسیار چاره باشد. (ج ۱، ص ۵۲۶)

**ب) فتوّت‌نامه سلطانی:**

«اگر پرسند که مرید را چند صفت باید تا مریدی را شاید؟ بگوی ده صفت: ..... هفتم

باید که مُدرک باشد یعنی دربانده و تیزهوش و زیرک...» (ص ۷۶)

### ۱۲. احترام و خدمت به استاد

### الف) سمک عیار:

سردسته جوانمردان استاد خوانده می‌شود که اطاعت او بر همه عیاران فرض است، احترام به استاد و پیش کسوت، در جای جای کتاب احساس می‌شود؛ از احترام سمک، روزافزون و دیگران نسبت به شغال پیل زور گرفته تا رفتار شاگردانه روزافزون و سایرین نسبت به سمک: «اما چون شب درآمد از آن جانب شغال پیل زور و روزافزون و جنگجوی قصاب روی به راه نهند؛ تا به زیر حصار آمدند. شغال پیل زور را گفتند: ای استاد! کمند برانداز که مار پیش تو زهره نباشد کاری کردن. شغال گفت ای پسران، من دیدم و بالای این حصار بلندست و من قوت آن ندارم. نوبت کار کردن شما راست که جوانانید.» (ج ۲، ص ۵۲۲)

### ب) فتوت‌نامه سلطانی:

«اگر پرسند که شرایط فتوت چند است؟ بگوی هفتاد و یک: چهل و هشت وجودی، و بیست و سه عدمی. اما آنچه وجودی است: ... بیست و نهم خدمت استاد،...» (ص ۲۶)

### ۱۳. گشاده بودن در سرای جوانمردان و مهمان‌نوازی

#### الف) سمک عیار:

در شهرها خانه‌ای به نام سرای جوانمردان وجود داشته است؛ خانه‌ای که عیاران در آن گرد هم می‌آمده‌اند و به حل و فصل اموری؛ مانند کارهای مربوط به غریبان و کار افتادگان می‌پردازند: هنگامی که فرخ روز، فرزند خورشیدشاه، گرفتار حیلۀ قاطوس می‌شود. از آهن کمان چنین می‌شنود: گفت: «ای شاه! اگر چنین خواهد بود پناه به سرای جوانمردان بریم تا خلق بر ما گرد آیند.» این بگفت و پیش ایستاد. بیامدند و پشت به سرای جوانمردان باز کردند. (ج ۴، ص ۴۵۴)

### ب) فتوت‌نامه سلطانی:

«امام موسی کاظم (ع) فرموده است که فتوت ترک تکلف کردن است و آنچه در خانه باشد برای مهمان حاضر آوردن چنانچه شاه ولایت (ع) فرموده است، شعر:

اقدّم ما عندنا حاضر      و إن لم یکن غیر خبز و خِلّ» (ص ۱۳)

«اوّل ابراهیم را جوانمرد خوانند به سبب آن که او را سه چیز بود: نفس و مال و فرزندان

(مال خود را) فدای مهمان کرد...» (ص ۲۰)

#### ۱۴. نام مردان در سر تیغ مردان بودن

*الف) سمک عیار:*

در داستان سمک عیار، نام عیاران از طریق جنگیدن و شمشیر زدن آنها مشخص می‌شده است.

در داستان زاری کردن کیتی نمای بر گرفتاری فرخ روز و چاره جوئی او، آنجا که می‌خوانیم از لشکر خورشید شاه نیکی جهش دختر شاه سیماب آراسته به سلاح رزم و سخت چالاک به میدان می‌آید و خورشید شاه می‌پرسد که او کیست؟

«خورشید شاه گفت: این سوار بدین چالاک کیست؟ گفتند: ای شاه، نیکی جهش دختر شاه سیماب. آفرین کرد تا نیکی جهش در میدان آمد. جولان کرد. مرد خواست. سواری در میدان آمد. نیکی جهش او را نیزه‌ای زد و بینداخت. دیگری آمد و بکشت تا بیست سوار بیفکند. روئین برآشفت روی به میدان نهاد، بر اسبی بادپای سوارگشته، ..... بدین گونه نعره زنان به میدان آمد پیش نیکی جهش. بانگ بر وی زد. گفت چیست این همه شطارت. بگوی تا نام تو چیست و نسب از که داری و ترا چه خوانند؟ نیکی جهش گفت: نام مردان در سر تیغ مردان باشد. هم اکنون تیغ من نام من ترا بگوید.» (ج ۴، ص ۲۰۲)

*ب) فتوٰت نامه سلطانی:*

«اگر پرسند که پشت تیغ کدام است؟ بگوی بازوی مردی که به مدد آن تیغ توان زد.» (۳۵۱)

#### ۱۵. بی‌اجازه نرفتن در خانه جوانمردان

*الف) سمک عیار:*

«(خورشید شاه) گفت: سر جوانمردان را بگوی که غریبی آمده و می‌خواهد درآید، اگر اجازت باشد. ایشان گفتند که در جوانمردان گشاده باشد. شاهزده گفت چنین است؛ اما بی‌اجازت در آمدن در خانه جوانمردان ناجوانمردیست.» (ج ۱، ص ۴۳-۴۴)

*ب) فتوٰت نامه سلطانی:*

«اگر پرسند که آداب سقایان چند است؟ بگوی ده: ..... هشتم در هیچ مجلس بی‌اذن و اجازت صاحب مجلس در نیاید و اصل آن است که تا او را به مجلس نطلبند در نیاید مگر که مجلس عام باشد در موضعی که خلق را از آن منع نکنند مثل مسجد و خانقاه و لنگر....» (ص ۲۹۶)



## ۱۶. سخن گفتن مرد در حد توان

### الف) سمک عیار:

یکی دیگر از اصول عیاری در داستان سمک عیار در حد توان سخن گفتن مرد است. به عبارت دیگر مرد باید سخنی را بگوید که از عهده انجام آن برآید.

«ناگاه سمک عیار به زبان آمد و گفت ای استاد، شاهزاده را ناامید مگردان. او را امیدوار گردان که اگر او ناامید نبوی پیش ما نیامدی. شغال گفت: مردی آن است که سخن راست گویند و سخنی بگویند که بتوانند. سمک گفت سخنی هست، الا دستوری باید.» (ج ۱، ص ۴۵)

### ب) فتوت‌نامه سلطانی:

«اگر پرسند که آداب حکایت گویان چند است؟ بگوی هشت: .. پنجم سخنان محال و گزاف نگوید که در چشم مردم سبک شود.» (ص ۳۰۴)

## ۱۷. عیاری به بد دلی نتوان کردن

### الف) سمک عیار:

در داستان سمک عیار، جوانمردان معتقدند که عیار باید دل و جرأت داشته باشد و با اطمینان قدم در راه گذارد.

«سمک روی به شغال کرد و گفت ای استاد، هر چه بادا باد. جان فدا خواهم کردن و شیرافکن بکشتن، تا چرا به خون ما تشنه است و به خون ما کمر بسته است. .... شغال با سمک گفت ای پهلوان [دانی] که لشکر بسیاراند و درهای کار ما از تو گشاده می‌شود، به تنها در میان لشکری رفتن دشخوار باشد. سمک گفت غم نشاید خوردند. عیاری به بد دلی نتوان کردن. اگر مرا اجل مانده است خلق جهان هیچ نتوان کردن.» (ج ۱، ص ۱۰۹-۱۱۰)

### ب) فتوت‌نامه سلطانی:

«اگر پرسند که حروف سپر اشارت به چیست؟ بگوی .... «پ» اشارت به پردلی و یعنی صاحب این قبضه باید که پردل و با جرأت باشد تا سستی نوزد و بی‌مراد منهزم نگردد.» (ص ۳۵۷)

## ۱۸. دوست دوست و دشمن دشمن بودن

### الف) سمک عیار:

برای عیاران شرط بوده که چون با کسی پیمان دوستی می‌بندند به همه شرایط آن پایند باشند. از جمله آنکه با دوستان او نیز دوست باشند و با دشمنان او دشمن. این شرط را عیاران

در طی داستان سمک عیار بارها هنگام سوگند خوردن به یاد می‌آورند و تعهد می‌کنند. «آتشک خرم شد و در دست و پای سمک افتاد. گفت: بنده ام، تو چه می‌فرمائی؟ سوگند خورد به یزدان دادار کردگار و به نور و نار و مهر و به نان و نمک مردان، و به نصیحت جوانمردان که آتشک غدر نکند و خیانت نیندیشد و آن کند که سمک فرماید. و با دوست وی دوست باشد و با دشمن وی دشمن.» (ج ۱، ص ۱۶۴)

**ب) فتوت‌نامه سلطانی:**

«اگر پرسند که چون دوست حقیقی به دست آید آداب او چگونه رعایت توان کرد؟ بگوی بدان نوع که با او بیست طریق مرعی دارند: ... بیستم با دشمنان او دوستی نوزند و با دوستان او دشمنی نکنند و اصل در این باب آن است که با وی چنان معاش کنند که دوست دارند که با ایشان معاش بر آن وجه واقع گردد، و یقین دانند که در عالم هیچ سعادتى برابر یار نیکو نیست.» (ص ۲۱۶-۲۱۷)

**۱۹. وارد کار شدن مرد و به اتمام رساندن آن**

**الف) سمک عیار:**

عیاران معتقد بودند که مرد اگر می‌خواهد که وارد کار بشود باید آن را به اتمام رساند. «سمک گفت ای برادر، همه کاری به احتیاط به سر شاید بردن که کارها از گزاف کردن پشیمانی آرد، و مرد باید که هر کاری که کند پشیمان نشود، و مرد باید که چون در کاری خواهد رفتن بیرون آمدن را طلب کند، تا او را آن کار مسلم باشد، و دیگر من دلارام را نمی‌شناسم و نمی‌دانم که کجاست و برین کار مشغولم که به دست آم» (ج ۱، ص ۲۱۴)

**ب) فتوت‌نامه سلطانی:**

«... امیر المؤمنین حسین علیه السلام فرموده است که فتوت به عهد ازل وفا کردن است و بر جاده دین قویم که صراط مستقیم عبارت از آن است ثابت قدم بودن.» (ص ۱۱)

**۲۰. با احتیاط عمل کردن مرد و پشیمان نشدن**

**الف) سمک عیار:**

عیاران معتقدند که مرد باید با اندیشه و تفکر وارد عملی بشود و با احتیاط عمل کند تا عاقبت پشیمانی به بار نیآورد. «سمک گفت ای برادر، همه کاری به احتیاط به سر شاید بردن که کارها از گزاف کردن

پشیمانی آرد، و مرد باید که هر کاری که کند پشیمان نشود.» (ج ۱، ص ۲۱۴)

(ب) فتوت‌نامه سلطانی:

«اگر پرسند که ادب نازلان در سخن گفتن چند است؟ بگوی هشت: ... ششم تا فکر نکنند سخن نگوید تا پشیمان نشود.» (ص ۲۲۹)

## ۲۱. دعوی مردی کردن و بجای آوردن

(الف) سمک عیار:

در نبرد خردک با پهلوانی به نام رعد، و به دنبال ناتوانی خردک در نبرد با او، در بر شمردن خردک هنرهای خویش و گفتگوی بین او و کج کلاه، آنجا که کج کلاه از صحبت خردک عصبانی می‌شود و می‌خواهد با دشنه بر خردک زند عالم افروز به کج کلاه می‌گوید:

«...عالم افروز گفت: ای پهلوان، او را کشتن شرط نیست، دعوی مردی و پهلوانی می‌کند. دست وی بگرفته بود رها کرد و گفت: اگر توانی جواب وی باز ده و اگر نه بیهوده قصد یکدیگر مکنید. بگوی من ندانم، که عیبی نباشد در عیاری و شب روی. روز افزون دختری با من دعوی کرده است، چون بدانستم، عیب نداشتم. گفتم که این کار بهتر دانی. و با این همه بدانچه می‌گویم راضی باشید. کج کلاه گفت: ای پهلوان، دعوی مردی کسی شاید که بکند که به جای آورد» (ج ۴، ص ۱۲۱)

(ب) فتوت‌نامه سلطانی:

«... از صادق آل محمد علیه السلام منقول است که فرمود که التصوف ترک الدعوی و کتمان المعنی. یعنی تصوف ترک دعوی کردن است و معنی را از مردم پوشیدن. یعنی تا مرد از دعوی نگذرد و به معنی نرسد و تا معنی خود را پنهان ندارد از تصوف نصیبی نیابد.» (ص ۴۲)

## ۲۲. وارد نشدن به سرای زنان

(الف) سمک عیار:

عیاران بر این عقیده بوده‌اند که مرد بیگانه نباید در خیمه و سرای زنان وارد شود.

«سمک گفت: ای شاه، لالا صلاح نوبتی را بخوان، تا او را به خیمه مه پری برد. شاه گفت ای پهلوان، چه می‌گویی؟ مرد بیگانه در خیمه زنان چون رود؟ در حرم پادشاهان چه کار دارد؟...» (ج ۱، ص ۶۲۵)

**ب) فتوٰت نامه سلطانی:**

«اگر پرسند که شرایط فتوٰت چند است؟ بگوی هفتاد و یک: چهل و هشت وجودی، و بیست و سه عدمی. اما آنچه وجودی است: .... چهاردهم حیا،...» (ص ۲۶)

**۲۳. رضا به قضا و تسلیم**

**الف) سمک عیار:**

«شاه جام نامه فرمود که: پهلوان برطاس آنچه نوشت ما را معلوم شد. دزد را کسی نگاه نتوان داشت، با تقدیر ایزد کسی برنیاید، آنچه بخواهد، بُود؛ و هیچ آفریده باز نتوان گرفت.» (ج ۴، ص ۴۴)

«سمک عیار گفت: ای برادر، دل فارغ دار که از همه کس توان گریخت ولی از قضا نتوان گریخت.» (ج ۱، ص ۴۱۰)

**ب) فتوٰت نامه سلطانی:**

«اگر پرسند که شرایط فتوٰت چند است؟ بگوی هفتاد و یک: چهل و هشت وجودی، و بیست و سه عدمی. اما آنچه وجودی است: .... چهل و پنجم رضا به قضا،...» (ص ۲۶)

**۲۴. از بهر نان زیادت نام خویش زشت نکردن**

**الف) سمک عیار:**

در داستان سمک عیار در جریان گفتگوی سرخ کافر و قطران برای بدست آوردن دینار بیشتر می خوانیم:

«سرخ کافر گفت: ای پهلوان (قطران)، تو ندانی چرا در جایگاهی خدمت کنم که در سالی سه هزار دینار به من رسد و به نام ناداشتنان. و نام من سرخ کافر قتال بود و در هیچ دیوان نام من بازخوانند. چرا خدمت پادشاهی نکنم که هنوز مرا ندیده و خدمتی از آن وی ناکرده سی هزار دینار مرا نقد دهد، .... آنچه مرا می گوئی تو قبول کن، ترا چند هزار دینار نان است؟ قطران گفت: پنجاه هزار دینار. سرخ کافر گفت من پنجاه هزار دینار نقد از بهر تو بستانم از خزینه، و شصت هزار دینار نان واقطاع، چنانکه بی رنجی به تو رسد. قطران گفت از بهر نان زیادت، نام خویش زشت نتوان کردن. نشاید بعد چندین سال در شاه خویش عاصی شدن و به ترک خان و مان گفتن.» (ج ۱، ص ۴۱۶)

**ب) فتوت‌نامه سلطانی:**

«اگر پرسند که شرایط فتوت چند است؟ بگوی هفتاد و یک: چهل و هشت وجودی، و بیست و سه عدمی. و اما آنچه از آن احتراز باید کرد: .... هفدهم طمع در مال مردم کردن،...» (ص ۲۶)

**۲۵. رهانیدن خواهر خود از دست دشمن**

**الف سمک عیار:**

در داستان سمک عیار آنجا که مه پری به خورشید شاه نامه می‌نویسد و از سمک عیار که مه پری را خواهر خوانده خود می‌داند، می‌خواهد که او را از دست دشمن برهاند، می‌خوانیم: شاه نامه باز کرد، نوشته بود که:

«ای شاه بدان و آگاه باش که دیدی و دانستی که حال ما به چه رسید. در دست تو آمدم. چون به تو پیوستم گفتم مرا نگاه داری و وفادار باشی. چون نگاه کردم در مردان وفا نیست، خاصه که پادشاه. هر کرا می‌بیند می‌دارد. چون غایب شود هرگز از وی یاد نیاورد. چون بدیدم شاه در وفا سست آمد. کجا رفت آن همه مهربانی و جان فدا کردن برادرت فرخ روز، آن همه رنج کشیدن و غصه خوردن، تا مرا به دست آوردی؟ ای شاه، اگر تو دل بر دیگران نهادی و ما را فراموش کردی سمک را بگوی که طلبکار من باشد. آخر نه مرا به خواهری قبول کرده است و خوانده بود؟ جوانمردی آن نیست که دشمنی را بکشند. در چنین کار جوانمردی پدید آید که خواهر خود را از دست دشمن برهانی که سخت درمانده ام.» (ج ۱، ۴۷۰)

**ب) فتوت‌نامه سلطانی:**

«اگر پرسند که شرایط فتوت چند است؟ بگوی هفتاد و یک: چهل و هشت وجودی، و بیست و سه عدمی. اما آنچه وجودی است: .... هفدهم غیرت،...» (ص ۲۶)

**۲۶. یاری کردن و رفع حاجت درماندگان**

**الف سمک عیار:**

یکی از وظایف مهم اخلاقی عیاران این بوده است که چون کسی یاری بخواهد او را به جان و دل بپذیرند و در انجام یافتن مقصود او اگرچه دشوار و پرخطر باشد از هیچ کوششی دریغ نورزند.

«نا گاه سمک عیار به زبان آمد و گفت ای استاد، شاهزاده را ناامید مگردان. او را امیدوار گردان که اگر او ناامید نبودی پیش ما نیامدی.» (ج ۱، ص ۴۵)

**ب) فتوت‌نامه سلطانی:**

«اگر پرسند که شرایط فتوت چند است؟ بگوی هفتاد و یک: چهل و هشت وجودی، و بیست و سه عدمی. اما آنچه وجودی است: ... سی و هشتم دستگیری مظلومان،...» (ص ۲۶)

**۲۷. زنهار دادن (پناه دادن)**

**الف) سمک عیار:**

یکی دیگر از وظایف اخلاقی عیاران پناه دادن به پناه جویان بوده است.  
«روح افزا گفت: از جوانمردی امانت داری به کمال دارم .... و اگر کسی در زینهار من آید به جان از دست ندهم تا جانم باشد.» (ج ۱، ص ۴۷-۴۸)

**ب) فتوت‌نامه سلطانی:**

«... چون خصم در میان کشتی دست فرو کوید معنی آن است زنهار خواستم. ترا نیز دست فرو باید کوفت یعنی زنهار دادم.» (ص ۳۱۲)

**۲۸. عفو و بخشش**

**الف) سمک عیار:**

بخشش و درگذشتن از خطا و گناه دیگران نیز یکی دیگر از صفات جوانمردان بوده است.  
«چون غور این سخن بشنید بر آشفت و گفت ای سمک، این کار نیک است. اگر نه آن بودی که شما زینهاریان من آید و به خودتان قبول کرده‌ام و اگر نه این ساعت بفرمودمی تا از کارکرد روز افزون همه را پاره پاره کردندی و سر او از تن جدا کردندی که در جهان دشمن بزرگترین من اوست و اکنون قصد خان و مان من کند تا خراب کند.»

**ب) فتوت‌نامه سلطانی:**

«اگر پرسند که شرایط شیخی و مرید گرفتن چند است؟ بگوی بیست شرط می‌باید تا کسی پیر کامل باشد و مرید تواند گرفت.... دهم صاحب عفو باید، تا اگر از مرید حرکتی که به طریق راست نباشد در وجود آید عفو را کار فرماید.» (ص ۶۶)

## ۲۹. حرمت و خدمت پیران کردن

### الف) سمک عیار:

«از هر دو جانب لشکر پیاده گشتند؛ تا غور کوهی و غاطوش به هم رسیدند. غاطوش بایستاد و گفت پهلوان غور سوار گردد که بر ماست خدمت پیران کردن که هر که حرمت پیران ندارد به درجه پیران نرسد.» (ج ۲، ص ۲۸)

«عالم افروز را گمان بود که پهلوان دره است. نان می‌خوردند که ناگاه مردی پیر دید نورانی، که بیامد. همگنان برپای خاستند. اگرچه ترک ادب بود از سر نان خوردن برخاستن، از بهر حرمت پیروان روا داشته‌اند، که یزدان پیران را حرمت داشت می‌فرماید...» (ج ۵، ص ۴۳۴) (ب) فتوت‌نامه سلطانی:

«اگر پرسند که زینت مریدی چیست؟ بگوی آن که به بیست صفت آراسته باشد...»  
بیستم فرمان برداری یعنی فرمان بردار خدا و رسول خدا و پدر و مادر و پیر و استاد باشد.» (ص ۸۱)

## ۳۰. پاس نمک را داشتن

### الف) سمک عیار:

یکی از صفات برازنده دیگری که می‌توان در آیین جوانمردی، به خوبی مشاهده کرد، پاس نمک را داشتن است؛ چرا که بنا به اندیشه این گروه، نمک کسی را خوردن و بر صاحب نمک خیانت کردن، کار ناجوانمردان است.

«دبور بانگ بر وی (قایم) زد. گفت ای حرامزاده بدفعل، حق نان و نمک زلزال نشناختی. تا چه از خورشیدشاه دیدی که به خدمت وی رفتی، و نام خود زشت گردانیدی؟ بگویم که با تو چه می‌باید کردن.» (ج ۲، ص ۲۰۶)

### ب) فتوت‌نامه سلطانی:

«اگر پرسند که معنی آب و نمک که در مجلس حاضر می‌کنند چیست؟ بگوی اشارت بدان که اهل طریق باید که چون آب صافی و روشن دل باشند و حق نمک یکدیگر رعایت کنند تا چون آب و نمک در همه جا راه داشته باشند.» (ص ۱۴۰)

### ۳۱. تواضع و فروتنی

#### الف) سمک عیار:

تواضع نیز یکی دیگر از صفات برازنده عیاران بوده است. که در جای جای کتاب سمک عیار می‌بینیم. از جمله آنجا که سمک شغال را استاد خود می‌داند و با تواضع در مقابل او سخن می‌گوید و از طرف دیگر شغال که استاد سمک بوده است نیز متقابلاً با تواضع می‌گوید حاضرم شاگرد تو باشم:

«... سمک گفت ای استاد، من بروم و هر دو دختران قایم ببرم و سر این هر دو بیاورم. شغال برخاست و گفت اگر تو این کار بکنی من در پیش خورشید شاه حلقه بندگی تو در گوش کنم، و نام استادی بر تو نهم؛ و شادی تو بازخورم؛ و شاگردی تو کنم. سمک گفت ای استاد، این اندیشه در دل میاور. اگر صد سال برآید من شاگرد توام. اگر هزار کار از این بهتر بکنم اما شاگردی‌ام نیک. نام تو روشن می‌دارم.» (ج ۲، ص ۲۱۷)

#### ب) فتوت‌نامه سلطانی:

«اگر پرسند که خصلتهای اهل فتوت چند است؟ بگوی که اهل فتوت را از ده خصلت چاره نیست: ... هفتم با علما به تواضع.....» (ص ۲۸)

### ۳۲. لاف و گزاف نکردن مردان

#### الف) سمک عیار:

در سمک عیار آنجا که دریابند با عالم افروز درباره نجات فرخ روز فرزند خورشید شاه از قلعه‌ای که در آن گرفتار شده، گفتگو می‌کنند می‌خوانیم که:

«عالم افروز) گفت: ای برادر! نظر من درباره تو خطا نیست. می‌دانم که مردان لاف و گزاف نکنند. اما خاطر من از این مشوش است که هنوز آن قلعه را ندیده ایم. اگر روا باشد با هم سوار شویم و برویم و ببینیم و هر تدبیری که باید اتخاذ کنیم.» (ج ۳، ص ۱۱۸)

#### ب) فتوت‌نامه سلطانی:

لاف از سخن چو در توان زد آن خشت بود که پر توان زد (ص ۲۲۹)

«اگر پرسند که آداب حکایت گویان چند است؟ بگوی هشت: .. پنجم سخنان محال و

گزاف نگوید که در چشم مردم سبک شود.» (ص ۳۰۴)

تکیه بر جای بزرگان نتوان زد به گزاف مگر اسباب بزرگی همه آماده کنی (ص ۹۲)



### ۳۳. نام نیکو داشتن

#### الف سمک عیار:

یکی دیگر از صفات بارز جوانمردان خوشنامی و نیک نام بودن آنهاست تا این حد که حتی اگر به کشته شدن آنها بیانجامد و بهتر از نام نیکو، چیزی دیگر را در این دنیا نمی‌دانند. عیاران و جوانمردان، نام نیک را بهتر از زر و گوهر میدانستند، و برای بدست آوردن نام نیک خود تمام دشواریها و ناگواریهای زندگی را تحمل کرده، و تمام تلاش و کوشش آنان، آن بوده است که نام خود را حفظ، کنند.

در داستان سمک عیار ما به نام‌هایی؛ چون خورشید شاه، فرخ روز، شغال پیل زور، سرخ کافر، گیتی فروز، کانون عیار، و دیگران برمی‌خوریم که آنها نام نیک خود را به تمام دارایی و ثروت شاهان و فرمانروایان، عوض نکرده و به هیچ چیز دنیا فریفته نشدند، و به همین دلیل است که سمک خود را ناداشت میخواند و از زبان سمک می‌شنویم که میگوید: «مردی ناداشت عیار پیشه ام. اگر نانی یابم بخورم و اگر نه می‌گردم و خدمت عیاران و جوانمردان می‌کنم و کاریگری کنم که آن برای نام می‌کنم نه از برای نان. و این کار که می‌کنم از برای آن می‌کنم که مرا نامی باشد، چه درخورد اقطاع و ولایت ام؟» (ج ۱، ص ۲۹۷-۲۹۸)

#### ب) فتوت‌نامه سلطانی:

«اگر پرسند که آداب و ارکان به مهمانی رفتن چند است؟ بگوی چهارده: دو شرط و دو سنت و ده ادب. اگر پرسند که دو شرط کدام است؟ بگوی اول آن که به مهمانی مردم صالح نیک نام رود نه مردم فاسق و حرام خوار.» (ص ۲۴۹)

### ۳۴. دل با زبان راست داشتن

#### الف) سمک عیار:

«... شروان بشن سوگند خورد به یزدان دادار کردگار و به نار و نور و مهر و به نان و نمک جوانمردان، که آنچه گفتم راست گفتم و دروغ نگفتم و مگری و حیلتی نمی‌سازم و دل با زبان راست دارم.» (ج ۴، ص ۲۹۵)

#### ب) فتوت‌نامه سلطانی:

«اگر پرسند که شرایط ارادت چند است؟ بگوی پنج: ... سیم دل و زبان به هم راست داشتن...» (ص ۷۶)

«اگر پرسند که ارکان شاگردی چند است؟ بگوی چهار: .... سیم دل و زبان را به هم راست داشتن.» (ص ۱۰۰)

«اگر پرسند که آداب شاگردان چند است؟ بگوی آن هم دوازده: .... نهم با دیگر شاگردان متفق باشد به دل و زبان.» (ص ۳۰۹)

### ۳۵. بی ارزش بودن مال دنیا

#### الف) سمک عیار:

«... روز افزون گفت ای خواهر! اگر زنهار و امان را که امشب به من دادی گرامی داری و خیانت نکنی حالم را با تو بگویم. صاحبخانه گفت ای خواهر! بدان که من زنی دلاله‌ام و مرا هاجر دلاله گویند خواهم که در جوانمردی بر مردان عالم پیشی کنم. مال دنیا در چشم من هیچ است بر هر چیز که قادر باشم می‌بخشم.» (ج ۳، ص ۱۷)

«طومار کمر گوهر نگار داشت. از میان باز کرد. پیش سمک نهاد. گفت این هدیه از من قبول کن و مرا دعا کن تا دشمنان را بر من دست نباشد. سمک آن کمر برگرفت و پیش طومار انداخت. گفت: مرا به مال دنیا چه حاجت است؛ همه عالم پیش من هیچ نیست؛ همه جهان مرا گوهر شب چراغ است.» (ج ۵، ص ۴۰۷)

#### ب) فتوت‌نامه سلطانی:

«بدان که قصه خواندن و شنیدن فایده بسیار دارد: چهارم چون زوال ملک و مال سلاطین گذشته شنود دل از مال دنیا و دنیا بردارد و داند که با کس وفا نکرده و نخواهد کرد.» (ص ۳۰۲)

هر که از علم فتوت بهره یافت      رو سوی دین کرد و از دنیا بتافت (ص ۵)

«اگر پرسند که اول کسی که او را فتی گویند و مظهر و منبع فتوت او بود کیست؟ بگوی اول نقطه دایره فتوت ابراهیم خلیل بود (صلوٰه‌الله علیه و آله) و او را ابوالفتیان خوانند یعنی پدر جوانمردان و او اول کسی بود که از دنیا و لذات آن مجرد گشت و از زینت و ثروت دوری گزید...» (ص ۱۷)

### ۳۶. بی‌نیازی و قناعت

#### الف) سمک عیار:

عیار اگرچه کریم است و هرچه دارد در راه رسیدن به مقصود خرج می‌کند اما هرگز دلبسته جاه و مال نیست. عیاران خود را «ناداشت» می‌خوانند، یعنی تهیدست و از طبقه فرودستان و

هرگز در برابر کوششها و فداکاریهای خود چشم به مزد و پاداش ندارند. آنجا که جمهور احوال سمک در پیش مرزبان‌شاه می‌گوید و او آفرین می‌کند و دستور می‌دهد که چون خورشید شاه برگردد صد هزار دینار مال از آن لیان و الیار به تو ارزانی دارد، سمک پاسخ می‌دهد:

«سمک گفت شنیدم. اما ای پهلوان، مرزبان‌شاه این نواخت که کرد درخور همت عالی خود فرمود و اگر نه من که باشم که مرزبان‌شاه چنین فرماید؟ و مردی نداشت عیار پیشه ام. .... چه درخور اقطاع و ولایت ام؟» (ج ۱، ص ۲۹۷-۲۹۸)

(ب) فتوٰت‌نامه سلطانی:

«بگوی آنچه امام جعفر صادق علیه السلام گفته است و آن چهارده کلمه است: ... ششم به طناب توکل به خرمن گاه قناعت کشیدن...» (ص ۳۵)

### ۳۷. خدمت پدران کردن

الف) سمک عیار:

«اگرچه خدمت هیچ پادشاه نکرده بود، در آن حال خدمت قابوس از بهر آن کرد که او را پدر زن بود، به جای پدر؛ و خدمت پدران کردن واجب است...» (ج ۵، ص ۴۲۵)

(ب) فتوٰت‌نامه سلطانی:

«اگر پرسند که زینت مریدی چیست؟ بگوی آن که به بیست صفت آراسته باشد... ، بیستم فرمان برداری یعنی فرمان بردار خدا و رسول خدا و پدر و مادر و پیر و استاد باشد...» (ص ۸۱)

### ۳۸. سخاوت

الف) سمک عیار:

«... و چهار چیز است که از آن نام نیکوست: اول سخاوت. دوم مستوری. سیوم دروغ ناگفتن. چهارم حق هرکس بشناختن.» (ج ۱، ص ۲۲۳-۲۲۴)

(ب) فتوٰت‌نامه سلطانی:

«... پنجم علی را جوانمرد خوانند برای آن که... و سخاوتش به حدی بود که در نماز انگشتی به سائل داد: و یوتون الزکوة و هم راکعون...» (ص ۲۲)

### ۳۹. حق دیگران را شناختن

الف) سمک عیار:

«.. که عاقلان از جهان جز نام نیکو برنگرفته‌اند. و چهار چیز است که از آن نام نیکوست: اول سخاوت. دوم مستوری. سیوم دروغ ناگفتن. چهارم حق هرکس بشناختن.» (ج ۱، ص ۲۲۳-۲۲۴)

ب) فتوت‌نامه سلطانی:

«اگر پرسند که شرایط فتوت چند است؟ بگوی هفتاد و یک: چهل و هشت وجودی، و بیست و سه عدمی. اما آنچه وجودی است: .... سی‌ام حق همسایه،....» (ص ۲۶)

### ۴۰. خیانت نکردن

الف) سمک عیار:

«...روز افزون گفت: حال که چنین است با من عهد جوانمردان بجای آر که خیالم راحت باشد. هاجر سوگند خورد و عهد کردند که تا اختیار در کف دارند به یکدیگر خیانت نکنند...» (ج ۳، ص ۱۷)

ب) فتوت‌نامه سلطانی:

«اگر پرسند که شرایط فتوت چند است؟ بگوی هفتاد و یک: چهل و هشت وجودی، و بیست و سه عدمی. و اما آنچه از آن احتراز باید کردن: .... هیچدهم خیانت ورزیدن،....» (ص ۲۶)

### ۴۱. نیکی کردن و مهربانی ورزیدن

الف) سمک عیار:

«روح افزا گفت: به یزدان دادار پروردگار آمرزگار و به جان پاکان و راستان که دل با شما یکی دارم و با دوستان شما دوست باشم و با دشمنان شما دشمن. و هرگز راز شما را آشکارا نکنم و هرچه شما را از آن رنجی خواهد رسید بهر توانم کرد. نیکی بکنم و در نیکی کردن تقصیر نکنم...» (ج ۱، ص ۴۹)

ب) فتوت‌نامه سلطانی:

«اگر پرسند که فقر به چه چیز تمام شود؟ بگوی به خُلق نیکو، برای آن که هر که خلق

دارد صفات‌های دیگر که در فقر به کار آید هم دارد؛...» (ص ۵۳)  
«اگر پرسند که آداب تنوره بستن چند است؟ بگوی پنج: ... پنجم آن که فقیران و دردمندان را در زیر دامن شفقت جای دهد.» (ص ۳۹۱)

#### ۴۲. پاکدامنی و عفت

##### الف) سمک عیار:

از جمله شرایط جوانمردی عفت است. هیچ یک از عیاران و جوانمردان تا آداب زنا شویی انجام نگیرد حتی با دلبر و نامزد خود نمی‌پیوندند.

هنگامی که سمک به آتشک در مورد معشوق او، دلارام، هشدار می‌دهد، می‌خوانیم:  
«نباید که به خطا دست در وی زنی که نیک نیاید و در جوانمردی زشت باشد.» (ج ۱، ص ۲۲۶)

##### ب) فتوت‌نامه سلطانی:

«اگر پرسند که شرایط فتوت چند است؟ بگوی هفتاد و یک: چهل و هشت وجودی، و بیست و سه عدمی. و اما آنچه از آن احتراز باید کردن: .... بیست و دویم لواطه و زنا کردن،...» (ص ۲۶)

«اگر پرسند که تن خرقة چیست؟ بگوی زهد و ورع و وفا.» (ص ۱۶۲)

#### ۴۳. سوگند خوردن

##### الف) سمک عیار:

همین که کسی در صف عیاران به خدمت ایشان در می‌آید باید سوگند بخورد که خیانت نکند و نیندیشد، و یک دل باشد، و با دوست ایشان دوست باشد، و با دشمن ایشان دشمن، و بی‌تأویلی (به هیچ تأویل و بهانه) غدر نکند.

چون کسی را به زنهار خود درمی‌آوردند به سوگند از او عهد و پیمان می‌گیرند که راز ایشان نگاه دارد، و با کسی نگوید، و خیانت نیندیشد و نفرماید و از قول ایشان بیرون نیاید. اما در سوگندهای عیاران در این داستان هیچ نشانی از مسلمانی نیست. این خود دلیلی است بر آنکه آیین عیاری ریشه‌های کهن تری دارد و به ایران پیش از اسلام می‌رسد. مایه اصلی سوگند که همه جا و در هر مورد تکرار می‌شود «یزدان دادار» است. ظاهراً کلمه «دادار» به معنی اصلی و قدیمی این کلمه یعنی «خالق و آفریننده» به کار می‌رود.

اینک نمونه‌های از سوگند خوردن آنها را بیان می‌کنیم:

«سمک عیار گفت ای آتشک، با من عهد کن و سوگند خور که یار من باشی و هرچه بگویم بکنی، و راز من نگاه داری، و با کسی نگوئی و خیانت نیندیشی و نفرمایی و از قول من بیرون نیایی...» (ج ۱، ص ۱۶۴)

**ب) فتوت‌نامه سلطانی:**

«اگر پرسند که شرایط فتوت چند است؟ بگوی هفتاد و یک: چهل و هشت وجودی، و بیست و سه عدمی. و اما آنچه از آن احتراز باید کرد: ... شانزدهم سوگند به دروغ خوردن،...» (ص ۲۶)

«اگر پرسند که مداح را چند صفت می‌باید؟ بگوی مداحان اهل بیت را می‌باید که بیست صفت باشد و سی صفت نباشد. اگر پرسند که آن سی صفت کدام است؟ بگوی... شانزدهم سوگند دروغ خوردن...» (ص ۲۸۴)

#### ۴۴. تیغ کشیدن مردان در میدان

**الف) سمک عیار:**

«چون فرخ روز به میدان آمد نعره زد و آواز داد که هرکه مرا دانید دانید و اگر نه، دانید منم فرخ روز، عدو سوز پسر خورشیدشاه، فرزند مرزبان‌شاه و بانگ برآسمان نگر زد تا خویشتن نگاه می‌دارد که غلبه و آشوب در بارگاه به کار نیاید. جایگاه مردان این است که در میدان تیغ برکشند...» (ج ۳، ص ۱۴۶)

**ب) فتوت‌نامه سلطانی:**

«اگر پرسند که آداب مرید چند است؟ بگوی هشت: ... اول آن که نیک در کار خود نگاه کند. اگر خود را مرد میدان فقر می‌بیند مردانه میان در بندد و قدم پیش نهد...» (ص ۷۷)

«این گوی ملامت است و میدان هلاک وین راه مقامران بازنده پاک مردی باید مجرد و دامن چاک تا بگذرد از مقام هستی چالاک» (ص ۱۷۴)

#### ۴۵. بهتر از جوانمردی نبودن در جهان

**الف) سمک عیار:**

«...که عالم همه نام و ننگ است و هیچ بهتر از جوانمردی نیست، تا ما را جاودان نام جوانمردی بودی» (ج ۱، ص ۲۵۳)

**ب) فتوت‌نامه سلطانی:**

«حضرت (رسول) صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که: شرف یتشرّف به اهل النّجده والسّماحه یعنی جوانمردی شرفی است که اهل شجاعت و سخاوت بدو مشرف می‌شوند...» (ص ۱۹)

**۴۶. شادی خوردن و عهد و پیمان بستن**

**الف) سمک عیار:**

در آیین فتیان و جوانمردان خوردن و نوشیدن به شادی کسی از آداب عیاری و جوانمردی است؛ نخستین قدم برای درآمدن در سلک عیاران «شادی خورد» است. این کار معادل است با پیمان بستن و سرسپردن و حلقه ارادت در گوش کردن. عیار نو باشد از جای برخیزد و قدح شراب را بردارد و برابر سر خود بالا ببرد و نام استاد را بگوید و آنگاه قدح را یکباره بنوشد.

«.. چون دوری چند بگشت قایم برخاست و قدحی شراب در دست گرفت و برپای خاست و گفت: این شادی آن مردی که نام وی به جوانمردی در عالم رفته است و نام او سمک عیار است. این بگفت و شراب بازخورد.» (ج ۲، ص ۱۸۴)

**ب) فتوت‌نامه سلطانی:**

«اگر پرسند که عهدنامه طریقت کدام است؟ بگوی آن که مرید را گوید: اللهم انی تائب الیک قولا و فعلا و ضمیراً» اگر پرسند که برادر گرفتن طریقی از که مانده است؟ بگوی از حضرت رسالت پناه (صلی الله علیه و سلم) که در سال اول از هجرت میان نود تن و گفته‌اند سیصد تن از اهل مکه و مدینه از مهاجر و انصار عقد اخوت بست و فرمود تا هر دو تن از ایشان یکدیگر را برادر می‌گرفتند...» (ص ۱۴۶)

**۴۷. ایمان و توکل**

**الف) سمک عیار:**

ایمان و توکل نیز یکی از صفات عیاری و عقاید عیاران بوده است. سمک در هیچ موردی یزدان را از یاد نمی‌برد. در سختی‌ها باخدا مناجات می‌کند و از او یاری می‌جوید، در همه کار خدا را حاضر و ناظر می‌بیند. می‌گوید: «...یزدان خود مرا بدان نیکو می‌دارد که هرگز به رضای شیطان کاری نکرده‌ام و نکنم.» (ج ۳، ص ۱۲۹)

**ب) فتوت‌نامه سلطانی:**

«اگر پرسند که شرایط فتوت چند است؟ بگوی هفتاد و یک: چهل و هشت وجودی، و بیست و سه عدمی. اما آنچه وجودی است: .... دویم ایمان، .... پانزدهم توکل،....» (ص ۲۶)

**۴۸. مکر و حيله نساختن**

**الف) سمک عیاز:**

«...شروان بشن سوگند خورد به یزدان دادار کردگار و به نار و نور و مهر و به نان و نمک جوانمردان، که آنچه گفتم راست گفتم و دروغ نگفتم و مکر و حیلتی نمی‌سازم و دل با زبان راست دارم...» (ج ۴، ص ۲۹۵)

«.... مطبخی گفت ای عالم افروز، هرکجا روم با شماام. عالم افروز گفت سوگند خور که راز ما آشکارا نکنی و حیلت نسازی و مارا درنسیپاری و غدر نکنی...» (ج ۵، ص ۶۱۴)

**ب) فتوت‌نامه سلطانی:**

«اگر پرسند که شرایط فتوت چند است؟ بگوی هفتاد و یک: چهل و هشت وجودی، و بیست و سه عدمی. و اما آنچه از آن احتراز باید کرد: .... هشتم به حيله و مکر با مردم معاش نمودن،....» (ص ۲۶)

**۴۹. مرد بودن مرد**

**الف) سمک عیاز:**

آنجا که در داستان هنر نمایی سهلو می‌خوانیم که سهلو نعره زنان روی به میدان می‌کند و مرد می‌طلبد. و تا بیست مرد از لشکر جام را شکست می‌دهد. سپس خطاب به پهلوان روئین می‌گوید که: «زراره را بگوی تا در میدان آید و مرا بگیرد. که مردی قصابم و او مردی پهلوان. اما دانه که قصابی من بهتر دانه». و در ادامه می‌خوانیم:

«...اگر زراره می‌ترسد تو بیای که پهلوان لشکر جام تویی. روئین برآشفت و گفت: بنگر که قصابی چه شطارت می‌نماید و مرا در میدان می‌خواند. اما مرد باید که مرد باشد، چه قصاب و چه لشکری. این بگفت و به میدان آمد...» (ج ۴، ص ۲۵۸)

**ب) فتوت‌نامه سلطانی:**

«اگر پرسند که شرایط فتوت چند است؟ بگوی هفتاد و یک: چهل و هشت وجودی، و بیست و سه عدمی. اما آنچه وجودی است: .... دهم مروت،....» (ص ۲۶)



«اگر پرسند که طریقت به چند چیز تمام شود؟ بگوی به ده چیز: ... پنجم مروت...» (ص ۳۶)

#### ۵۰. عیب پوشی و عیب مردم نجستن و نگفتن

الف) سمک عیار:

جوانمرد می‌باید معایب دیگران را بپوشاند و آشکار نگرداند.

[عیار باید] ..... دیده نادیده کند و عیب کسان نگوید. (ج ۱، ص ۵۲۶)

ب) فتوٰت نامه سلطانی:

«اگر پرسند که شرایط فتوٰت چند است؟ بگوی هفتاد و یک: چهل و هشت وجودی، و بیست و سه عدمی. و اما آنچه از آن احتراز باید کردن: ... پانزدهم عیب مردم جستن و گفتن،...» (ص ۲۶)

«اگر پرسند که غسل مرید چیست؟ بگوی آن که از سی صفت پاک باشد: ... هشتم عیب جویی...» (ص ۸۲)

#### ۵۱. علم

الف) سمک عیار:

«عالم افروز هر جا که بودی از آموختن نیاسودی. نیک و بد و دشخوار آموختی از خط علم و مسأله‌ها که تا روزی به کار آید، و نکته و جواب، و بذله و جد، و حیلت و مکر، و رای زدن و تدبیر و تلبیس‌ها و کارسازی از هر چه دیدی و از هر که دیدی بیاموختی، گفتی مرا روزی به کار آید. در دبیری استاد بود و نیک آموخته بود، چنانکه هر مشکلات را بخواندی و چند قلم خط نوشتی، و خط هر کس که دیدی مانند آن را بنوشتی» (۱- ناتل خانلری، پرویز، شهر سمک، ص ۶۱).

ب) فتوٰت نامه سلطانی:

«اگر پرسند که شرایط فتوٰت چند است؟ بگوی هفتاد و یک: چهل و هشت وجودی، و بیست و سه عدمی. اما آنچه وجودی است: ... چهارم علم،...» (ص ۲۶)

## نتیجه گیری

فتوت در آثار ادبی و صوفیانه‌ای که به زبانهای فارسی و عربی به نظم و نثر به وجود آمده، تأثیر زیادی گذاشته، به طوری که فهم بسیاری از بخش‌ها و مطالب این آثار ابتدا شناخت نهضت فتوت و آشنایی با مصطلحات و مقاصد فتیان را می‌طلبد. فتوت اسلامی نه تنها مسلمانان سرزمین‌های اسلامی را تحت تأثیر خود قرار داده، بلکه تمدن و فرهنگ غیر مسلمانان را نیز تحت تأثیر خود قرار داده است و مراکز معروف نهضت فتوت در جهان اسلام، خراسان و ماوراءالنهر و آناتولی (در ترکیه فعلی) و دمشق و قاهره و بغداد بوده‌است.

شواهدی که در داستان سمک عیار وجود دارد ما را بر آن می‌دارد که باور کنیم اصل این اثر اسلامی نیست و به احتمال قوی، مربوط به دوره اشکانیان است. داستانی است مربوط به شرق ایران و در ادامه همان سنت حماسی و به دست همان گروه از قصه‌پردازان، روایت‌گران و داستان‌گزاران شرقی پدید آمده‌است؛ فراهم آوردن داستان، کار قصه‌گویان مردمی است که بساط خود را در مکان‌های عمومی پهن می‌کرده‌اند و مخاطبان‌شان نیز مردمان فرودست بوده‌اند نه اشراف و بزرگان و ثروتمندان. گرچه برخی، مؤلف و راوی قصه را از مردم فارس دانسته‌اند.

اگرچه حوادث داستان سمک عیار به ظاهر در سرزمین‌هایی بیرون از مرز ایران - از حلب تا چین و ماچین - می‌گذرد و در سراسر کتاب نامی از شهرهای معروف ایران در میان نیست؛ اما بی‌تردید می‌توان گفت که آنچه از آثار تمدن و فرهنگ در این کتاب دیده می‌شود، همه ایرانی و مربوط به ایران است.

مهم‌ترین فایده کتاب سمک عیار، اطلاعاتی است که از روی این کتاب درباره اوضاع اجتماعی و فرهنگی ایران در قرون ششم و هفتم به دست می‌توان آورد و از این حیث شاید از صد دیوان شعر به این اندازه استفاده نتوان کرد.

آیین‌های عیاری حاضر در سمک عیار، موجبات جستار در چرایی و چگونگی شکل‌گیری گروه‌های عیاران، اعمال آن‌ها و خصایص اخلاقی و رفتاری این دسته‌ها را فراهم ساخته‌است. محرومیت عده‌ای از طبقات پایین جامعه و عدم توجه دولت‌مردان به آن‌ها باعث شده که گروه‌هایی خودجوش تحت عنوان عیاران و جوانمردان بپاخیزند و با گرفتن اموال دشمنان آن‌ها را به فقرا ببخشند.

فتوت‌نامه سلطانی، درمیان تمام متن‌های قدیم و جدیدی که در دو زبان فارسی و عربی

درباره آیین فتوت و روش جوانمردان نوشته شده است از همه مفصل‌تر و جامع‌تر و منظم‌تر و دقیق‌تر است. پس از بررسی این دو اثر اشتراکات و اختلافاتی در آنها یافت شده که از جمله می‌توان به این موارد اشاره نمود:

۱- داستان سمک عیار اثری است که مربوط به قبل از اسلام می‌باشد، درحالی‌که فتوت‌نامه سلطانی یک اثر کاملاً اسلامی است، در داستان سمک عیار برای آراستن کلام بعضاً از اشعار شاعران زمانه خود و ماقبل استفاده نموده است، حال آنکه در فتوت‌نامه سلطانی علاوه بر اشعار شاعران، از آیات و احادیث نیز بهره گرفته است.

۲- در بررسی پنج جلد کتاب داستان سمک عیار، مهم‌ترین آیین‌ها و صفات جوانمردی از جای‌جای این کتاب استخراج شده که حدود هشتاد مورد می‌باشد، و اکثر آنها در بخش‌های دیگری از کتاب دارای شواهد و مصداق‌هایی می‌باشند.

۳- در داستان سمک عیار آیین‌های عیاری به صورت منظم مشخص نشده، بلکه در لابلای داستان نهفته است که به تناسب سخن در قسمت‌های مختلف بیان شده و بعضاً این آیین‌ها در جای‌جای دیگری از کتاب به مناسبت موضوع تکرار شده‌اند، به ندرت اشعاری از شاعران، برای آرایش و تأثیر کلام و مربوط به آیین مورد نظر بیان شده است.

۴- در کتاب فتوت‌نامه سلطانی ابتدا ارکان فتوت را بیان نموده و سپس شرایط فتوت را هفتاد و یک مورد دانسته است که آنها را به صورت مشخص و منظم در دو بخش شرایط وجودی فتوت و شرایط عدمی فتوت، نام برده، سپس در ادامه، در متن کتاب که به مطالبی چون، آیین فتوت، آداب پیر و مرید، مناسبات نقیب و استاد، خرقه و لباس‌های اهل فتوت و سرانجام در آداب اهل طریق و ارباب معرکه و ... اختصاص دارد، از آیین‌های فتوت بیان کرده است که هرکدام مصداق روشنی برای آیین‌های جوانمردی می‌باشند.

۵- با توجه به اینکه سمک عیار داستانی است که مربوط به قبل از اسلام می‌باشد و فتوت‌نامه سلطانی اثری اسلامی است، اما برای بیشتر آیین‌های جوانمردی مندرج در سمک عیار، موارد مشابهی از آیین‌ها، شرایط و مصداق‌ها در فتوت‌نامه سلطانی یافت می‌شود.

۶- برخلاف تشابهات آیین‌های فتوت در سمک عیار و فتوت‌نامه سلطانی، از آنجا که فتوت‌نامه سلطانی اثری اسلامی و سمک عیار مربوط به پیش از اسلام است، دارای تفاوت‌هایی نیز می‌باشند، از جمله دزدیدن مال دشمنان و بخشیدن آن به فقرا و خمر خوردن و ... که در داستان سمک عیار پسندیده و در فتوت‌نامه ناپسند است.

۷- در نهایت با عنایت به اینکه اشتراکات آیین‌های فتوت در سمک عیار و فتوت‌نامه

سلطانی بیشتر از اختلافات آنهاست، می‌توان به این نکته پی برد که جوانمردان ایران‌زمین، پیش از اسلام به اصول و مبانی انسانی و معنوی پایبند بوده‌اند و با آمدن اسلام خصلت‌های اسلامی را به آن افزوده و آن را تکمیل کرده‌اند.

## منابع و مأخذ

- ابن بطوطه، سفرنامه ابن بطوطه؛ ترجمه: محمدعلی موحد. ۲ ج، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱.
- الارجانی، فرامرز بن خداد بن عبدالله الکاتب؛ سمک عیار؛ مقدمه و تصحیح: پرویز ناتل خانلری، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۵ ج، ۱۳۴۳.
- اوحدی اصفهانی، رکن الدین (معروف به مراغه‌ای)؛ کلیات، تصحیح: سعید نفیسی، تهران: امیر کبیر، چ ۲، ۱۳۷۵.
- جامی، عبدالرحمن؛ بهارستان؛ به کوشش: اسماعیل حاکمی، تهران: اطلاعات، ۱۳۷۱.
- \_\_\_\_\_؛ هفت اورنگ؛ به کوشش: مرتضی مدرس گیلانی، تهران: انتشارات کتابفروشی سعدی، ۱۳۴۴.
- دهخدا، علی اکبر؛ لغت نامه دهخدا؛ تهران: انتشارات مجلس شورای ملی، ۱۳۵۵.
- ریاض، محمد؛ فتوت نامه؛ به اهتمام: عبدالکریم جربزه دار؛ تهران: اساطیر، چ ۱، ۱۳۸۲.
- صراف، مرتضی؛ رسایل جوانمردان (مشمول بر هفت فتوت نامه)؛ مقدمه و خلاصه: فرانسوی هنری کرین، تهران: انجمن ایرانشناسی فرانسه و انتشارات معین، ۱۳۷۰.
- کاشفی، ملا حسین واعظ؛ فتوت نامه سلطانی؛ تصحیح: محمد جعفر محبوب، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۰.
- گولپینارلی، عبدالباقی؛ تصوف در یکصد پرسش و پاسخ؛ ترجمه: توفیق سبحانی؛ تهران: نشر دریا، ۱۳۶۹.
- ناتل خانلری، پرویز؛ آیین عیاری، مجله سخن، دوره نوزدهم، شماره ۱ تا ۶، ۱۳۴۸.
- \_\_\_\_\_؛ شهر سمک؛ تهران: آگاه. چ اول، ۱۳۶۴.
- نسیمی، عماد الدین؛ دیوان اشعار؛ به اهتمام علیرضا یخفروزانی، تبریز: هاشمی سودمند، ۱۳۸۶.
- نفیسی، سعید؛ تاریخ نظم و نثر فارسی در ایران و در زبان فارسی تا پایان قرن دهم هجری؛ تهران: فروغی؛ چ ۱، ۱۳۴۴.
- \_\_\_\_\_؛ سرچشمه تصوف در ایران؛ تهران: اساطیر، ۱۳۷۵.
- هانری کرین، آیین جوانمردی؛ ترجمه احسان نراقی، تهران، سخن، ۱۳۸۵.

۱۹۶ / فصلنامه عرفان اسلامی \* سال یازدهم \* شماره ۴۱ \* پاییز ۹۳

- هجویری، ابوالحسن علی بن عثمان؛ کشف المحجوب، به اهتمام: محمود عابدی، تهران: سروش، چ ۴، ۱۳۸۷.

#### مقالات

- فصلنامه تخصصی عرفان، سال چهارم، شماره ۱۵، بهار ۱۳۸۷.
- مجله دانشکده ادبیات علوم انسانی مشهد (علمی - پژوهشی)، شماره ۱۵۸، سال ۴۰، پاییز ۱۳۸۶.